روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
سه‌شنبه | ۲۷ آذر ۱۴۰۳ | ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ | ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۴۲۰۷ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان
| ۱۱۹۰ سال و ۹۶ روز گذشت |
VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4207 | TUE.DEC.17, 2024 | ISSN:2008-2886

علیرضا یوسفی، پدیده‌ای که یادآور روزهای درخشان رضازاده و سلیمی است

سلطان وزنه‌ها

صفحه ۶

درباره فیلم «گوبلز و پیشوا» که مخاطب را به یاد بزک‌های رسانه‌ای جنایتکاران جنگی امروز انداخت

شبیه‌ترین هیتلر به نتانیاهو

صفحه ۸

بازگشت روح

خالد نبهان، پدربزرگ معروف غزه‌ای شامگاه یکشنبه در حملات رژیم صهیونیستی به اردوگاه النصیرات شهید شد و به نوه‌های شهیدش پیوست

صفحه ۷

روح الروح

دل‌نوشت
زهرا محسنی‌فر

عاطفه‌اش می‌جنبید و دلش غنج می‌رفت. شیرین‌زبانی دخترک، روان مرد بزرگ را به بازی گرفته بود. پیرمرد در سویدای دلش، حسی غریب را تجربه می‌کرد. نوه، انگار سطح عمیق‌تری از جانش را درگیر می‌کرد؛ جایی که کنه محبت فرزند هم به آن نمی‌رسید و آنجا همان‌جاست که قریحه و ذوق می‌جوشد و غلیان می‌کند. شیخ نبهان شاعر نبود اما باید تعبیری شاعرانه خلق می‌کرد؛ چیزی که حق احساسش را ادا می‌کرد؛ واژه‌ای که می‌توانست بغض سنگین گلویش را کنار بزند و بیرون بریزد.

ریم، نور دیدگان ابوضیاء بود. شیرینی این ۳ بهار زندگانی ریم، تلخی یک عمر آوارگی را از کامش می‌برد. پیرمرد تا چشم باز کرده بود، اردوگاه و شهرک و کمپ آوارگان دیده بود. انگار کام کودکان غزه را با باروت برمی‌دارند و ناف آنها را در جنگ می‌برند. صدای غرش طیاره و مهیب انفجار بمب، به دنیا آمدن‌شان را خوشامد می‌گوید. کودکان، یکی در میان بی‌بابا می‌شوند و اگر عمرشان به دنیا باشد و بزرگ شوند، یکی در میان بی‌دست و پا می‌شوند. زندگی، اینجا یکی در میان است!

ابوضیاء اینطور بزرگ شده بود و حالا یکی در میانه دست‌هایش بود که دستان سرد و چشمان بسته‌ای داشت. آسمان، چیزی شبیه این تصویر را جایی در دل تاریخ دیده بود. همانجا که زمین سرد خجالت می‌کشید دهان باز کند. پدری ابرو در هم کشیده و چهره کبود کرده و قنداقه دختری را به دست گرفته و در دوراهی مانده بود. آیا سرافکنده ایام بگذراند یا نورسیده در دل خاک بگذارد؟ انقلاب اسلام، جاهلیت اولی را زدود و ارزش‌ها را دگرگون کرد اما جاهلیت مدرن، صنعت زنده‌به‌گور کردن را ابداع و روی جاهلیت اول را سفید کرد. حالا شیخ نبهان زیر آسمان خدا داشت به خاک غبطه می‌خورد و زیر لب زمزمه می‌کرد که ریم ۳ بهار در آغوش من بود و الی‌الابد روزگار در آغوش تو جا خوش می‌کند، بی‌انصاف! و سعی می‌کرد با خودش این معادله سخت را حل و در خودش این معامله روزگار را هضم کند. به خاکی رشک می‌برد که برای وطن ماندنش جنگیده بود و برایش تا مرز جان دادن رفته بود. و حالا باید جان خود را به خاک می‌داد. برایش عجیب بود که زنده است و جان می‌دهد. خودش داشت خودش را دفن می‌کرد. ابوضیاء چشمان ریم را با دستان لرزانش باز کرد و آنها را برای آخرین بار بوسید. دخترک معصومانه نگاهش کرد. مرد دنبال واژه می‌گشت؛ مثل شاعری که قافیه را باخته. باید چیزی گوشنواز می‌گفت. آخرین نغمه دنیا را باید در گوش بچه می‌خواند. باید خیالش را راحت می‌کرد که کسی اینجا انتظار می‌کشد تا دوباره او را ببیند. کسی از جنس خودش. خود خودش. ابوضیاء واژه را خلق کرد. معنا آفریده شد: «روح الروح؛ جان جانان»!

شیخ خالد نبهان معروف به ابوضیاء، مرد اهل غزه ۲ بار جان داد؛ یک بار وقتی ریم را از آغوش خودش به آغوش کفن سپرد و به دنیای بعد از او خندید، بار دیگر همین دیروز که در اردوگاه نصیرات غزه، غرش طیاره‌ها و مهیب انفجار بمب‌ها، مرد را تا سرای شهادت بدرقه کرد. ریم حالا بار دیگر در آغوش پدربزرگ است و این قصه پرغصه هزاران ریم و ابوضیاء فلسطینی است که یکی در میان زندگی می‌کنند و شهید می‌شوند. به روح ریم که روح مقاومت است، قسم که انقلاب اسلام، یک بار دیگر جاهلیت را خواهد زدود و ارزش‌ها را دگرگون خواهد کرد.

طرح: MikailCiftci

پیرامون مستند جاذبه که گزیده‌هایی از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم با رهبر انقلاب را نمایش می‌دهد

به نام پدر

یادداشت
میلاد جلیل‌زاده

از میان تمام محافلی که رهبر معظم انقلاب در آنها میزبان نمایندگانی از اقشار مختلف جامعه هستند، ۲ گروه را می‌توان نسبت به بقیه صمیمی‌تر و خودمانی‌تر دید. مورد اول دیدارهای ایشان با هنرمندان بویژه ادباست که انگار در آنها آیت‌الله خامنه‌ای را در جمع دوستان‌شان می‌بینیم و مورد دوم دیدارهایی است که با خانواده شهدا انجام می‌شود و در این قبیل موارد، انگار رهبر معظم انقلاب را در جمع خانواده و بستگان نزدیک‌شان می‌بینیم. به نظر می‌رسد در دیدار هر کدام از این ۲ گروه که تصاویر خصوصی‌تری از رهبر انقلاب ثبت و ضبط شده و از میان مستندهای متعددی که متشکل از گزیده دیدارهای رهبری با اقشار مختلف و گاهی گفت‌وگو با شرکت‌کنندگان در آن است، معمولا مواردی که به دیدار ایشان با هنرمندان یا خانواده شهدا مربوط می‌شود، بیشتر از باقی موارد به چشم آمده و جذاب شده است. البته نفس این موضوع که چرا دیدارهای یک رهبر سیاسی با گروه‌های اجتماعی مختلف وقتی گلچین می‌شود و به شکل مستند در می‌آید، تا این اندازه دیدنی می‌شود، خودش بحث جداگانه‌ای است که به رغم سادگی ظاهری‌اش به نظر می‌رسد اگر در جستوجوی چرایی و دلیل آن باشیم، به نکات ویژه‌ای درباره لایه‌های عمیق‌تر باورهای دینی‌مان به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده این نظام سیاسی برسیم. اما سوای این بحث‌ها که در ادمه به تفصیل درباره‌اش سخن گفته شده، بد نیست به این هم اشاره شود که پخش چنین مستندهایی در این مقطع از تاریخ تحولات منطقه، چه تاثیر قابل توجهی در روحیه باورمندان به مقاومت خواهد داشت. ممکن است برنامه‌ریزی‌ها برای پخش مستند «جاذبه» که گزیده‌هایی از دیدار خانواده‌های معزز شهدای مدافع حرم با رهبر معظم انقلاب است، از مدت‌ها قبل انجام شده باشد، چرا که ۲۵ آذرماه روز ملی بزرگداشت مادران و همسران شهدا است اما همزمانی نمایش این مستند با اتفاقات غافلگیرکننده‌ای که در سوریه در همین آذرماه رخ داد، خود به خود معنا و حال و هوای دیگری هم به تماشای این کار می‌بخشید. مستند جاذبه بیشتر از اینکه وصف‌کردنی باشد، دیدنی است اما می‌توان در چرایی اینکه چنین دیدارهای ساده و صمیمانه‌ای اینقدر دیدنی از آب درمی‌آیند تامل کرد و به پاسخ‌هایی رسید که شناخت ما از بعضی مسائل دیگر را هم بهتر و دقیق‌تر می‌کند.

تا به حال مستندهای متعددی از دیدار اقشار مختلف جامعه با رهبر معظم انقلاب منتشر شده و اکثر این کارها بدون صدای راوی یا توضیحاتی از قبیل میان‌نوشته‌هایی که در بعضی مستندها رایج هستند، خود به خود جذاب و دیدنی بوده‌اند و ارتباط برقرار کردن با هیچ‌کدام‌شان توضیح اضافی نمی‌خواست، مگر گاهی که یکی از دیدارکنندگان بخشی از آنچه در آن محفل رخ داده بود را توضیح می‌داد و ادامه توضیحش را می‌شد در تصاویر خود دیدار دید. مستند «جاذبه» که شامگاه ۲۵ آذرماه از شبکه اول سیما پخش شد و مشتمل بر تصاویری گلچین‌شده از دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با خانواده شهدای مدافع حرم بود، سومین بخش از مجموعه مستند «این ستاره‌ها» است که بخش اول آن با عنوان «لشکر زینبی» در فروردین ۱۴۰۰ منتشر شد و بخش بعدی آن به نام «آرمان روح‌الله» در بهمن ۱۴۰۲ به انتشار رسید. اینکه پخش گزیده‌هایی تصویری از دیدار یک رهبر سیاسی و اعتقادی با اقشار مختلف مردم بتواند بدون اضافه کردن هیچ عنصر نمایشی و بصری دیگری، خود به خود اینقدر جذابیت داشته باشد، حتما دلایل ویژه‌ای دارد که کمتر به آن توجه شده است. تا به حال بارها و بارها محتوای چنین دیدارهایی و مکالماتی که در آنها رد و بدل شده، مورد توجه مردم و رسانه‌ها قرار گرفته و حتی گاهی بعضی از این مکالمات در بوته تحلیل‌های جدی گذاشته می‌شود اما کمتر پیش آمده که اصل خود این ملاقات‌ها و کیفیت‌شان مورد تحلیل قرار بگیرد و کسی بپرسد این دیدارهای صمیمانه و این گفت‌وگوهای معمولی که چندان تفاوتی با غالب گفت‌وگوهای روزمره مردم عادی ندارد، چرا اینقدر جالب و دیدنی می‌شود؟ مردم ممکن است گاهی حرف‌های سیاستمداران را با دقت گوش کنند به این دلیل که خبر از تصمیمات تاثیرگذار روی زندگی روزمره‌شان می‌دهد اما این قبیل ملاقات‌های رهبر معظم انقلاب چنین خصوصیتی ندارد و حتی خیلی‌های‌شان که حالا منتشر می‌شود، برای چند سال پیش است. این به نظر سوال ساده‌ای است اما به‌واقع تلاش برای فهمیدن همین نکته می‌تواند ما را تا حدودی به فهم شمایل حکومت دینی شیعه برساند.

■ **کلیشه‌هایی که شکست**

مردان سیاست سوای آنچه در زندگی عادی‌شان هستند، یک چهره عمومی هم دارند که غالب مردم همان چهره را می‌بینند و می‌شناسند؛ یک چهره رسمی. بعضی از این سیاستمداران سعی می‌کنند گاهی این چهره همیشگی را بشکنند تا بیش از حد تکراری و کسل‌کننده نشوند. مثلا لباس غیررسمی می‌پوشند و ورزش می‌کنند یا تصاویری از اندرونی منزل‌شان بیرون می‌آید. آنها گاهی میان مردم عادی هم می‌روند و با بعضی‌شان گپ و گفتی می‌کنند تا معمولی‌تر، صمیمی‌تر و خودمانی‌تر به نظر برسند اما به واقع چند بار تا به حال دیده‌ایم که یکی از سیاستمداران حتی اگر شده به شکل نمایشی، برای اینکه نشان بدهد با مردمش صمیمی است و بخواهد تصویر همیشگی و رسمی‌اش را بشکند، خود میزبان عده‌ای از مردم باشد؟ ما ایرانی‌ها با این تصویر آشنا هستیم، هر چند مردم باقی مناطق دنیا ممکن است هیچ‌گاه طعم آن را نچشیده باشند یا حتی از دور هم چنین صحنه‌ای به چشم‌شان نخورده باشد. یکی از اصلی‌ترین دلایل جذابیت چنین دیدارهایی همین میزانسن بدیع و کم‌نظیر است؛ اینکه یک سیاستمدار را در خانه‌اش میزبان مردم معمولی ببینیم. اما سوال بعدی این است که چرا و به چه دلیل و انگیزه‌ای برخلاف اکثر کشورهای دنیا چنین میزانسنی در نظام سیاسی ایران شکل می‌گیرد؟

ادامه در صفحه ۶

تیترهای امروز

رژیم صهیونیستی همچنان زیرساخت‌های نظامی سوریه را هدف قرار می‌دهد

سور دشمن در خرابه شام

صفحه ۷

رئیس‌جمهور با اشاره به وضعیت انرژی و کمبود گاز از مردم عذرخواهی کرد

پوزش پزشکیان

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از آخرین وضعیت رمزارزها و خطر ورود سرمایه به بازار رمزارزهای غیرمعتبر

هر کوینی بیت‌کوین نیست

صفحه ۵

گزارش اقتصادی

«وطن امروز» گزارش می‌دهد سیاست‌های ارزی دولت فاصله بین درآمدها و هزینه‌ها را بیشتر کرد

این دستمزد زورش به تورم نمی‌رسد

صفحه ۳

طرح آمریکایی - صهیونی - ترکی

نگاه
مهدی گرگانی

دولت سوریه پس از ناکامی تروریست‌ها در جنگ داخلی طی سال‌های گذشته به ثبات نسبی دست یافته بود و در حال تقویت توان داخلی و خارجی خود بود تا جایی که بسیاری از کشورهای منطقه که خواستار سرنگونی نظام این کشور بودند به سوی دمشق دست دوستی دراز کردند و حتی از بشار اسد برای حضور دوباره در نشست اتحادیه عرب دعوت به عمل آوردند و سفارت‌های خود را یکی پس از دیگری در دمشق بازگشایی کردند.

در این راستا، سقوط حکومت بشار اسد در سوریه در ۱۰ روز باعث حیرت بسیاری از ناظران و تحلیلگران سیاسی در منطقه و جهان شد و از سوی دیگر غافلگیری بسیاری از کشورهای منطقه را در پی داشت. این غافلگیری حتی در محافل سیاسی - رسانه‌ای کشورمان نیز مشهود بود و تا قبل از سخنرانی رهبر حکیم انقلاب درباره تحولات منطقه و به مناسبت سقوط دولت دمشق بسیاری اصلا نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده یا اینکه جمهوری اسلامی ایران باید چه راهبردی را در مواجهه با این تحولات اتخاذ کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با اشاره به نقش آشکار یک دولت همسایه سوریه در حوادث این کشور، فرمودند: «با وجود این، قرائن متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد توطئه‌گر، نقشه‌کش و اتاق فرمان اصلی، آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند». اگر چه ایشان در همان زمان کوتاه بعد از سقوط دولت سوریه، شواهد و قرائن متقنی برای مواضع‌شان در این زمینه بیان کردند اما طی روزهای گذشته شواهد بیشتری نیز در تایید مواضع معظم‌له در زمینه تحولات سوریه آشکار و مبرهن شد.

۱- اگر چه باور عمومی این است که ترکیه طراح و اجراکننده اصلی سناریوی سقوط حکومت سوریه است اما مواضع مقامات این کشور در روزهای گذشته نشان می‌دهد آنکارا بیشتر نقش واسط و تسهیل‌گر امور را برعهده داشته است. هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه دیروز (دوشنبه) در مصاحبه با شبکه سعودی العربیه کدهای مهمی را در این زمینه ارائه کرد.

وی گفت: آنکارا آماده میانجیگری میان آمریکا و رهبران شورشی حاکم بر سوریه است. فیدان همچنین اذعان کرد مقامات این کشور در سطوح بالا در حال هماهنگی با رهبران سعودی در ارتباط با سوریه هستند. آمریکا تاکنون تلاش کرده از نقش رسمی در تحولات سوریه دور بماند اما با پیروزی شورشیان و سقوط بشار اسد در حال خروج از پشت پرده است و به نظر می‌رسد ترکیه در حال عادی‌سازی آن و دادن نقش رسمی به ایالات متحده درباره آینده سوریه است.

ادامه در صفحه ۶

منطق بی‌منطقی!

یادداشت روز
محمدکاظم انبارلویی

۱- مفروض ما در اعمال سیاست خارجی و تعامل با رقبای جهانی و دشمنان ایران و اسلام این است: حریف منطقی یا عقلایی عمل می‌کند. فکر می‌کنیم سیاست رفتاری رقبا بر اساس یک روش‌شناسی علمی است.

اما رصد رفتار آمریکا و ۳ کشور شرور اروپایی نشان می‌دهد حریف از منطق «بی‌منطقی» رنج و به تعبیر واقعی‌تر سود می‌برد.

مثلا در دوران «بوش کوچک» یک دوره تعامل با آمریکا ذیل «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را طی کردیم اما از طرف مقابل جز فحش و ناسزا و بدگویی و بدعهدی چیزی ندیدیم و نشنیدیم. در دوران اوباما هم یک دوره گفت‌وگو را تجربه کردیم که از دل آن توافق برجام درآمد. اما نه در دوران اوباما و نه در دوران ترامپ با برجام هم به نتیجه نرسیدیم.

رصد رفتار دیپلماتیک غرب نشان می‌دهد آنها می‌خواهند به ما القا کنند، نمی‌توانید منطق ما را کشف کنید. ما پیش‌بینی‌ناپذیر هستیم! حتی القا می‌کنند در سیستم تصمیم‌گیری حاکمیت در آمریکا کسی نیست با شما توافقی کند؛ ممکن است شما با یک ضلع از اضلاع حاکمیت مثل کاخ سفید یا وزارت خارجه توافق کنید ولی کنگره و سیا آن را وتو می‌کنند به همین دلیل بخشی از تحریم‌ها، تحریم‌های دولت، برخی تحریم‌ها برای کنگره و برخی مربوط به جاهای دیگر است. شما باید با همه این اضلاع گفت‌وگو کنید و تازه اگر گفت‌وگو کردید و به توافق رسیدید، نهایتا ممکن است جلوی شما همان پشت میز، توافق را پاره کنند و بگویند توافق چی؟ کشک چی؟!

۲- اگر فرضیه فوق را بپذیریم کار دیپلماسی ما دشوار می‌شود.

چه باید کرد؟ گفت‌وگو را تعطیل کنیم یا ادامه بدهیم، اگر ادامه بدهیم با کدام منطق؟!

بی‌منطقی امروز خود یک «منطق» است. پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌ها در واشنگتن در حال تئوریزه کردن این «منطق» هستند.

۳- جهان در دوران جنگ سرد دارای یک منطق در روابط بین‌الملل بود که نخبگان، ۲ سوی قدرت و رقابت آن را خوب می‌فهمیدند. جهان با ورود به هزاره سوم و پس از فروپاشی شوروی؛ آن منطق را باطل کرد و جنگ سرد وارد یک جنگ گرم شد که مردم دنیا حرارت آن را در غرب آسیا و بخشی از اروپا؛ در قصه جنگ اوکراین حس می‌کنند.

۴- حضرت امام خامنه‌ای در دیدار هفته گذشته‌شان یک تصویر درست از میدان و یک نگاه واقعی از «تهدیدها» و «فرصت‌ها» به دست دادند و فرمودند:

- بزرگ‌ترین درس حادثه سوریه این بود: نباید از دشمن غافل شد، آن را حقیر شمرد و به تبسم او اعتماد کرد.

- آنچه در سوریه اتفاق افتاد یک نقشه آمریکایی - صهیونیستی بود.

غفلت ما از راهبردهای دشمن و اعتماد به تبسم او در گفت‌وگوها ما را در لبه پرتگاه و نابودی قرار می‌دهد. ارتش سوریه و اسد اگر می‌ایستادند، می‌فهمیدند هزینه مقاومت کمتر از هزینه تسلیم و سازش است. اگر آنها نیمی از خسارت‌هایی که رژیم صهیونیستی در چند روز بعد از فتح دمشق روی دست ملت سوریه گذاشته است، هزینه می‌کردند امروز از حیفا و تل‌آویو چیزی باقی نمانده بود.

صهیونیست‌ها پس از نابودی زیرساخت‌های سوریه به سوی نابودی زیرساخت‌های نیروی انسانی و نخبگان سوری در ارتش و سازمان اداری خواهند رفت و همه آنها را زیر تیغ ترور خواهند برد.

۵- چه باید کرد؟ منطق ما در برابر راهبرد «بی‌منطقی» دشمن چه باید باشد؟

الف- به نظر می‌رسد رفتار ما برای دشمن باید پیش‌بینی‌پذیر نباشد. اگر به چاله پیش‌بینی‌پذیری بیفتیم، آنها ما را در چاه «بی‌منطقی» خود دفن خواهند کرد.

ب- نباید «فرصت» ۷ اکتبر تبدیل به یک «تهدید» شود. راهی که حماس در غزه می‌رود درست‌ترین و بهترین راه است.

۶- پایگاه‌های آمریکا در منطقه باید از سوی مقاومت مورد هدف قرار گیرد. آمریکا باید هزینه خود را در سرزمین‌های اشغالی بپردازد. این هزینه خارج از این قلمرو باید به ماشین جنگی و اقتصاد جنگی آمریکا تحمیل شود. ترامپ با همه بی‌منطقی زیر بار منطق هزینه جنگ نمی‌رود. او حتی اخیرا اعلام کرده اگر اعضای ناتو هزینه ندهند از ناتو خارج می‌شود. ترامپ را باید به چاه یک جنگ ویتنام و افغانستان در غرب آسیا کشاند تا بدانند یک من شیر (بخوانید اسد) در دمشق چند کیلو کره دارد!

۷- حضرت امام خامنه‌ای فرمودند: سوریه به دست جوانان سوری آزاد خواهد شد. آن ظرفیت عظیمی که در سوریه در جریان سرکوب داعش در کنار ارتش سازماندهی شدند هنوز هستند. گردوخاک تروریست‌ها در دمشق از بین برود این ظرفیت سر برون خواهد آورد. جبهه مقاومت باید در تجهیز این ظرفیت به میدان بیاید.

ادامه در صفحه ۶